



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

The Effect of Multiplicity of Crimes in Investigative Change in the Laws of Afghanistan and Iran (Understanding, Criminal Detention Order and Final Orders)

Rahimshah Balkhi¹, Mahmod Spanlou², Mohammad Bagher Grayly³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Al-Mustafa University, Gorgan branch, Gorgan, Iran (Corresponding Author). E-mail: rahimshah2018.2019@gmail.com

2. Judge of Gorgan and Joint Lecturer of Al-Mustafa University, Gorgan branch, Gorgan, Iran.
E-mail: mahmodspanlou@gmail.com

3. Visiting Prof. of Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. E-mail: gerayeli1378@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 13 Apr 2025

Received in revised form 24
May 2025

Accepted 19 Jun 2025

Available online 29 Jun 2025

Keywords:

Multiplicity of crimes,
explanation of charges,
criminal security orders,
final orders,
investigator.

Basically, rule-making regarding the multiplicity of crimes is done in substantive criminal law, but the way of preliminary investigation (as part of formal law) is also affected by it. However, formal criminal law determines the implementation of substantive criminal law. In this way, dealing with the effect of multiplicity of crimes in investigative measures in the law of Afghanistan and Iran is one of the main goals of this research. The results of this descriptive-analytical research show that the laws of Afghanistan and Iran, with the exception of the provision of criminal protection, are faced with legal loopholes in the case of multiplicity of crimes, and there is a field of voting fraud. What the current research emphasizes is that the material multiplicity of the crime causes the multiplicity of accusations, the issuance of criminal security orders (as it is within the inherent jurisdiction of different courts) and the orders are final, even if the accused is finally sentenced to severe punishment. In the credit multiplicity of the crime, it is necessary to explain the charge of the material behavior of the crime and issue a criminal provision order regarding the serious crime. However, in relation to the issuing of final decisions, the investigating authority must comment on all the titles and results because it is necessary to sentence the perpetrator to a severe punishment in the assumption of the multiplicity of credit of the crime, specifying the serious title or result. Due to the fact that it is necessary to condemn the perpetrator to a severe punishment in the assumption of multiplicity of crime, the title or result of the seriousness must be specified.

Cite this article: Balkhi, Rahimshah., Spanlou, Mahmod., Grayly, Mohammad Bagher. (2025). The Effect of Multiplicity of Crimes in Investigative Change in the Laws of Afghanistan and Iran (Understanding, Criminal Detention Order and Final Orders). *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (2), 127- 149. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2046520.1058>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2046520.1058>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

اثر تعدد جرم در نحوه اقدامات تحقیقی در حقوق افغانستان و ایران (تفهیم اتهام، قرارهای تأمین کیفری و قرارهای نهایی)

رحیم شاه بلخی^۱ | محمود اسپانلو^۲ | محمد باقر کرایلی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی جامعه المصطفی واحد گرگان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: rahimshah2018.2019@gmail.com

۲. دادستان گرگان و استاد همکار جامعه المصطفی واحد گرگان، گرگان، ایران. رایانامه: mahmodpanluo@gmail.com

۳. استاد مدعو دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: gerayeli1378@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

اصول قاعده‌گذاری مربوط به تعدد جرم در حقوق کیفری ماهوی صورت می‌گیرد، اما نحوه تحقیقات مقدماتی (به‌عنوان بخش حقوق شکلی) نیز از آن متأثر می‌گردد؛ زیرا حقوق کیفری شکلی نحوه اجرای حقوق کیفری ماهوی را مشخص می‌کند. به‌این ترتیب پرداختن به اثر تعدد جرم در اقدامات تحقیقی، در حقوق افغانستان و ایران از اهداف اساسی این تحقیق است. یافته‌های این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی بیانگر آن است که حقوق افغانستان و ایران به‌استثنای قرار تأمین کیفری در خصوص نحوه اقدامات تحقیقی در فرض تعدد جرم با خلأهای قانونی روبه‌رو بوده و زمینه تشنت آرا موجود است. آنچه پژوهش حاضر بر آن تأکید می‌کند این است که تعدد مادی جرم موجب تعدد تفهیم اتهام، صدور قرارهای تأمین کیفری (چنانچه در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد) و قرارهای نهایی است، هرچند که متهم درنهایت به مجازات اشد محکوم گردد. در تعدد اعتباری جرم، تفهیم اتهام رفتار مادی جرم و صدور قرار تأمین کیفری پیرامون جرم اشد، ضروری است. اما در رابطه با صدور قرارهای نهایی، مقام تحقیق بایستی نسبت به تمام عناوین و نتایج اظهارنظر نماید، به دلیل اینکه لازمه محکومیت مرتکب به مجازات اشد در فرض تعدد اعتباری جرم، مشخص شدن عنوان یا نتیجه اشد است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

کلیدواژه‌ها:

تعدد جرم،

تفهیم اتهام،

قرارهای تأمین کیفری،

قرارهای نهایی،

بازپرس.

استناد: بلخی، رحیم شاه؛ اسپانلو، محمود؛ کرایلی، محمد باقر (۱۴۰۴). اثر تعدد جرم در نحوه اقدامات تحقیقی در حقوق افغانستان و ایران (تفهیم اتهام،

قرارهای تأمین کیفری و قرارهای نهایی). *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۳ (۲)، ۱۴۹-۱۲۷.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2046520.1058>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

پس از شروع تعقیب کیفری و ارجاع پرونده به مراجع تحقیق، مراجع مزبور مکلفند جهت کشف جرم و جمع‌آوری دلایل و اظهارنظر نهایی پیرامون پرونده، با هدف رعایت حقوق دفاعی متهم و اصول راهبردی دادرسی‌های کیفری از جمله اصل بی‌طرفی و رعایت اصل تساوی سلاح‌ها تحقیقات را آغاز نمایند. در حقوق افغانستان به موجب بند ۱ ماده ۱۳ قانون تشکیل و صلاحیت‌های دادسرا، انجام تحقیقات مقدماتی بدون استثنا در صلاحیت بازپرس است. در حقوق ایران هرچند بر اساس ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت، انجام تحقیقات مقدماتی با بازپرس است؛ اما در مواردی دادستان و دادرس نیز؛ به‌عنوان مرجع تحقیقات مقدماتی شناخته شده است. بر اساس موازین حقوقی، مقام تحقیق سه وظیفه اساسی دارد. نخست، کشف جرم؛ دوم، جمع‌آوری دلایل؛ سوم، اظهارنظر نهایی پیرامون پرونده. به این ترتیب بازپرس (به‌صورت استثنا دادستان یا دادرس) برای روشن شدن اتهام واحد یا متعدد تحقیق را آغاز می‌نماید.

در حقوق افغانستان بر اساس ماده ۷۳ و ۷۶ کد جزا و در حقوق ایران برابر ماده ۱۳۱ و ۱۳۴ در صورت ارتکاب جرائم متعدد مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌گردد. محکومیت مرتکب به مجازات اشد، روند رسیدگی کیفری را با پرسش و چالش مواجه می‌سازد. هرچند تعدد جرم، در تمام مراحل روند رسیدگی کیفری، موجب پرسش و ابهام می‌شود؛ اما با توجه به قلمرو پژوهش حاضر صرفاً به بیان پرسش و چالش‌هایی پرداخته می‌شود که ناظر به مرحله اقدامات تحقیقی است. ابهام نخست، نحوه تفهیم اتهام به متهم است؛ یعنی هرگاه متهم مرتکب جرائم متعدد شود و نظام حقوقی حکم به مجازات اشد را پیش‌بینی نموده باشد، آیا بازپرس مکلف است که تمام جرائم را به متهم تفهیم نماید یا تفهیم جرم اشد کافی است؟ ابهام دوم، نحوه صدور قرارهای تأمین کیفری است. قرارهای تأمین برای جلوگیری از فرار متهم و تضییع حقوق بزه‌دیدگان مشروع شده است. بنابراین پرسش که مطرح می‌گردد این است که در فرض تعدد جرم آیا برای هر جرم، قرار تأمین کیفری جداگانه صادر می‌گردد یا برای مجموع اتهامات، صدور قرار تأمین کیفری واحد کافی است؟ ابهام سوم، نحوه صدور قرارهای نهایی در فرض تعدد جرم است، یعنی اینکه مقام تحقیق بایستی نسبت به همه جرائم اظهارنظر نهایی نماید. یا اینکه اظهارنظر پیرامون جرم اشد کافی است؟

در رابطه با پیشینه پژوهش حاضر باید گفت: باتوجه به مطالعات صورت گرفته و بررسی‌های انجام شده در خصوص منبع پژوهشی و مآخذشناسی پژوهش حاضر، دیده می‌شود که هرچند اثر تعدد جرم در تحقیقات مقدماتی، یک موضوع متنی (نه حاشیه‌ای) است، اما توجه چندانی به آن در حوزه حقوقی فارسی‌زبان به‌خصوص نظام حقوقی افغانستان نشده است. در حقوق ایران در برخی موارد حقوق‌دانان ایرانی در قالب مقاله به برخی چالش‌ها پرداخته‌اند، ولی به دلیل اینکه صرفاً به برخی چالش‌ها اشاره کرده و ناظر به حقوق افغانستان نیستند با پژوهش حاضر تفاوت اساسی دارد. در حوزه حقوقی عرب‌زبان وضع کمی بهتر به نظر می‌رسد، به دلیل اینکه در قالب پایان‌نامه و رساله به اثر تعدد جرم در تحقیقات مقدماتی توجه شده که البته ناظر به کشورهای چون مصر، سوریه، الجزایر و عراق است.

با توجه به موارد فوق، پژوهش حاضر در سه بخش سازماندهی شده است. نخست، به نحوه تفهیم اتهام به متهم در فرض تعدد جرم پرداخته می‌شود؛ دوم، نحوه صدور قرارهای تأمین واکاوی شده و در آخر چگونگی اظهارنظر نهایی مقام تحقیق بررسی می‌شود.

۱. تفهیم اتهام به متهم

متهم کردن و تفهیم اتهام از موضوعات اساسی آیین دادرسی کیفری است. رعایت قواعد مربوط به آن نشان‌دهنده میزان اهمیت حقوق و آزادی‌های شهروندان در نظام دادرسی است. تفهیم اتهام به معنی تبیین و تشریح جرم ارتكابی و پیامدهای قانون آن به متهم است. به‌نحوی که از موقعیت قضایی و حقوقی تکالیف خود به‌طور کامل مطلع شده و آمادگی دفاع را در مراحل مختلف دادرسی پیدا کند (نادری، ۱۳۸۶: ۱۴).

حقوق دانان دو مبنای مهم برای شناسایی حق تفهیم اتهام به متهم بیان داشته‌اند. نخست، اینکه «انسان» بالذات مخاطب قانون‌گذار کیفری و تابع آن است. به این دلیل نقض قانون کیفری او را در معرض سرزنش و پاسخگویی قرار می‌دهد و در صورت وجود شرایط متحمل مجازات نیز می‌گردد، بنابراین لازمه پاسخگو بودن شخص این است که آنچه به او نسبت داده می‌شود، به‌خوبی فهمانده شود تا پاسخ در خور دفاع از خود ارائه کند (محمود جان کی، ۱۴۰۰: ۳۱۵)؛ دوم، اصل برائت؛ یعنی اینکه یکی از اصول اساسی در حوزه حقوق کیفری و از معیارهای دادرسی عادلانه است. اصل برائت گویای این نکته است که در تمام مراحل دادرسی، قبل و بعد از آن تا هنگام قطعیت و به اثبات رسیدن فعل مجرمانه می‌بایست متهم را بی‌گناه فرض نموده و از لحاظ قانون مبرا از جرم دانست. به این ترتیب، حق تفهیم اتهام به متهم ثابت می‌شود تا فهم دقیق از موضوع اتهام، دلایل قابل دفاع از خود ارائه داده و در پناه اصل برائت باقی بماند (محمود جان کی، ۱۴۰۰: ۳۱۸). بنابراین ملاحظات، حق تفهیم اتهام به متهم در حقوق افغانستان در اصل ۳۱ قانون اساسی و بند ۱ ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شده است. در حقوق ایران نیز حق تفهیم اتهام در اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته است. بالاین حال، پرسشی که مطرح می‌گردد این است در فرض تعدد جرم نحوه تفهیم اتهام به متهم چگونه است؟ آیا تمام جرائم به متهم به‌صورت جداگانه تفهیم می‌شود؟ در صورتی که متهم صرفاً به مجازات جرم اشد محکوم شود، وضع چگونه است؟ آیا صرف تفهیم اتهام جرم اشد کافی است؟

پاسخ پرسش‌های فوق به‌صورت تطبیقی در حقوق افغانستان و ایران نخست در تعدد مادی جرم به بررسی گرفته شده، سپس در تعدد اعتباری جرم واکاوی می‌گردد.

۱-۱. تعدد مادی جرم

در حقوق افغانستان تعدد مادی جرم به تعدد مادی مرتبط و غیرمرتبط تقسیم شده است. به این ترتیب هرگاه جرائم ارتكابی از نوعی تعدد مادی غیرمرتبط باشد، تردید نیست که مقام تحقیق بایستی همه جرائم را به‌صورت جداگانه به متهم تفهیم نماید؛ زیرا اولاً، بر اساس ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان تعدد مادی غیرمرتبط هر کدام به صورتی مستقل تعقیب و رسیدگی می‌شود؛ ثانیاً، بر مبنای ماده ۷۵ کد جزا، به هر یک از جرائم ارتكابی مجازات جداگانه حکم شده و یکی پس از دیگری بر مرتکب اعمال می‌گردد. بنابراین تعقیب کیفری مستقل هر جرم و صدور

حکم برای هر کدام و اجرای همه‌ای آن‌ها نشان می‌دهد که باید همه جرائم ارتكابی به متهم تفهیم شود تا زمینه دفاع از آن برای وی ممکن گردد. اگر جرائم ارتكابی از نوعی تعدد مادی مرتبط غیرقابل تجزیه باشد، دو دیدگاه مطرح است. نخست، اینکه مقام تحقیق تکلیف تفهیم اتهام جرم اشد را دارد، زیرا بر متهم مجازات اشد اعمال می‌گردد رأی دوم، این است که مقام تحقیق همه جرائم ارتكابی را بر متهم تفهیم نماید، زیرا در فرض مزبور هر چند در نهایت مجازات اشد اعمال می‌شود، ولی پیرامون جرائم به صورتی جداگانه حکم صادر می‌شود (عبدالغریب، ۲۰۰۴، جلد ۴: ۲۷۰).

به نظر می‌رسد، دیدگاه دوم موافق موضعی حقوق افغانستان است؛ یعنی اینکه بر اساس ماده ۷۳ کد جزای افغانستان در فرض تعدد مادی مرتبط، دادگاه مکلف است که پیرامون همه جرائم ارتكابی حکم صادر نماید. بنابراین، الزام دادگاه مبنی بر صدور حکم پیرامون همه جرائم، نشان دهنده این است که همه جرائم ارتكابی جرم مستقلی تلقی شده و نیاز به تحقیق و وجود ادله اثبات دارد، بنابراین برای آماده کردن دفاع از جانب متهم، مقام تحقیق می‌بایست همه جرائم را به متهم تفهیم نماید. تفهیم جرم اشد تکلیف تفهیم اتهامات جرائم اخف را از دوش مقام تحقیق بر نمی‌دارد.

در حقوق ایران نیز، هر چند بر اساس ماده ۱۳۴ مرتکب به مجازات اشد در دادنامه محکوم می‌گردد، اما مقام تحقیق مکلف است تمام جرائم را به متهم تفهیم نماید. به دلیل اینکه اولاً، تعیین مجازات واحد ناظر به مرحله صدور حکم بوده، درحالی که تفهیم اتهام به متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی انجام می‌شود؛ ثانیاً، ممکن است جرم موضوع تفهیم، به خاطر عدم کفایت دلیل و یا هر علت دیگری منجر به صدور حکم نگردد، بر این اساس برای تعیین مجازات جرم بعدی نیاز به تفهیم اتهام نشود؛

ثانیاً، بر اساس بندهای «ب و ت» ماده ۱۳۴ به تمام جرائم ارتكابی مجازات جداگانه تعیین و بر اساس بند «ث» ماده مزبور در صورت سقوط یکی از مجازات‌ها، مجازات‌های بعدی دیگری اجرا می‌گردد و این نشان دهنده این موضوع است که تمام جرائم ارتكابی مورد تعقیب و رسیدگی قرار می‌گیرد. تعقیب و رسیدگی همه جرائم مستلزم تفهیم اتهام همه آن‌هاست تا اینکه متهم برای آن‌ها دفاعیه مناسبی تهیه نمایند.

۱-۲. تعدد اعتباری جرم

حقوق افغانستان در ماده ۷۶ کد جزا و حقوق ایران در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۲، به تعریف تعدد اعتباری جرم پرداخته است. برابر ماده ۷۶ کد جزا، چنانچه از فعل واحد جرائم متعدد به وجود آید، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌گردد؛ اما بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ایران هرگاه از رفتار واحد عناوین متعدد به وجود آید، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌گردد. تفاوتی که میان حقوق افغانستان و ایران در رابطه به تعدد اعتباری جرم وجود دارد این است که حقوق افغانستان از عبارت «جرائم متعدد» استفاده کرده (از فعل واحد جرائم متعدد به وجود آید)، اما حقوق ایران از عبارت «عناوین متعدد» (هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد) به این ترتیب تعدد اعتباری جرم در حقوق افغانستان مفهوم موسع دارد. به دلیل اینکه عبارت «جرائم متعدد» اعم از عناوین و نتایج متعدد بوده و شامل هر دو می‌گردد.

در حقوق افغانستان و ایران در رابطه به چگونگی تفهیم اتهام به متهم در فرض تعدد اعتباری جرم، حکم خاصی وجود ندارد.

اما برخی حقوق دانان عقیده دارند که در تفهیم اتهام باید، اعمال مادی جرم را به متهم تفهیم کرد به دلیل اینکه تفهیم عناوین و توصیفات، تفهیم ناقصی است (آخوندی، ۱۳۹۴، جلد ۶: ۱۳۳). برخی دیگر معتقد هستند که علاوه بر رفتار مادی جرم، اوصاف قانونی آن نیز به مرتکب تفهیم شود (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۸۵). به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه نتیجه واحدی دارند، زیرا در هر دو به تفهیم اعمال مادی جرم تأکید شده است. بنابراین، در صورتی که مقام تحقیق عنوان نتیجه اشد را احراز نکند با توجه به تفهیم اعمال مادی جرم، دیگر نیازی نیست که عنوان یا نتیجه اخف را به متهم تفهیم نماید. به دلیل اینکه رفتار مادی در حقیقت بنای اوصاف قانونی را تشکیل می‌دهند.

۲. قرارهای تأمین کیفری

در حقوق افغانستان و ایران، هیچ تقسیم رسمی از قرارهای قضایی وجود ندارد. باین حال، حقوق دانان در یک تقسیم‌بندی کلی، قرارهای قضایی را به قرارهای اعدادی و قرارهای نهایی تقسیم کرده‌اند. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵: ۲۱). منظور از قرارهای اعدادی مجموعه تصمیم‌های قضایی هستند که پرونده را برای اظهار نظر نهایی آمده می‌کند (مصدق، ۱۳۹۵: ۱۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۵۳۱). این نوع قرارهای نهایی به قرارهای اطلاق می‌گردد که با صدور آن کار در دادسرا پایان می‌یابد و پس از آن قاضی تحقیق مجاز به ادامه تحقیقات نخواهد بود (مصدق، ۱۳۹۵: ۱۵). قرارهای تأمین کیفری از جمله قرارهای نهایی است.

بی‌تردید قرارهای تأمین کیفری جلوه تعارض دو حق آزادی و امنیت است (مهرداد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱)؛ یعنی اینکه حق امنیت (جسمانی و مالی و...) یکی از حقوق بنیادین شهروندان است (جوان آرسته، ۱۴۰۰: ۱۱۴) و تأمین آن در یک جامعه دموکراتیک و قانونمند از وظایف دولت است. به این ترتیب، دولت‌ها نیز می‌کوشند تا از طریق کاربست تدابیری قهری و غیر قهری در برابر بزهکاران و ناقضان قانون، امنیت جانی و مالی شهروندان خود را تأمین کنند. از طرف دیگر حق آزادی و خودمختاری در برابر مداخله کارگزاران نظام عدالت کیفری ایجاب می‌کند که نباید بدون دلیل کافی و ضوابط قانونی آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان سلب شود (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹). به عبارت دیگر بر اساس اصل برائت، هیچ‌کسی نباید تا زمانی که به حکم قطعی دادگاه با صلاحیت محکوم به مجازات نشده، الزامی بر وی تحمیل شود. اما قرارهای تأمین کیفری خلاف اصل برائت قبل از صدور حکم قطعی بر متهم الزاماتی (سلب آزادی و محدودیت آزادی و...) تحمیل می‌کند. البته برای توجیه قرارهای تأمین کیفری دلایل معقول و در خور توجه از جمله حمایت از جامعه (قندرو بیجاپس، ۱۳۸۶: ۱۲۸)، حمایت از متهم (خزائی، ۱۳۸۶: ۴۴)، جلوگیری از فرار متهم یا پنهان شدن آن همچنین جلوگیری از امحای دلایل و آثار، تبانی مرتکب با دیگران، فشار بر شهود و مطلعان وجود دارد (الهی‌منش، ۱۳۹۸: ۵۵). بنابراین برای رفع تعارض میان اصل برائت و قرارهای تأمین کیفری، قرارهای تأمین کیفری به گونه‌ای (قرار بازداشت موقت، قول شرف، کفالت و...) تقسیم شده و اصل بر صدور قرارهای جایگزین بازداشت موقت است، مگر اینکه قرارهای جایگزین اهداف قرار تأمین کیفری را برآورده نکنند.

در حقوق افغانستان قرار تأمین کیفری به قرار بازداشت موقت (توقیف احتیاطی). کفالت بالمال تقسیم شده و در مواد ۹۹ الی ۱۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری به آن پرداخته شده است؛ اما در حقوق ایران قرار مزبور گونه‌های

بیشتری دارد که در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد تأکید قرار گرفته است. باین حال، پرسشی که مطرح می‌شود این است که در فرض تعدد جرم، صدور قرارهای تأمین کیفری چگونه است؟ آیا در مقابل هر جرم قرارهای جداگانه صادر شده یا صدور قرار تأمین کیفری واحد کافی است؟ پاسخ این پرسش نخست در تعدد مادی جرم بررسی شده، سپس در تعدد اعتباری جرم واکاوی می‌گردد.

۲-۱. تعدد مادی جرم

در حقوق افغانستان راجع به چگونگی صدور قرار تأمین کیفری در فرض تعدد جرم هیچ نصی وجود ندارد، اما برخی معتقد هستند که در مقابل هر جرم قرار تأمین جداگانه صادر می‌شود (سروری، ۲۰۱۶، جلد ۱: ۳۵۶). به نظر می‌رسد اظهار نظر کلی راجع به نهاد قرار تأمین که سلب کننده و یا محدود کننده حق فردی و اجتماعی افراد است، درست نیست؛ بنابراین باید با نکته‌سنجی زیادی در رابطه به آن اظهار نظر صورت گیرد. بنابر مراتب فوق، چنانچه قرارهای تأمین کیفری، قرار بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی به تعبیر قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان، باشد دو حالت را باید مدنظر داشت:

نخست اینکه، رسیدگی همه جرائم در صلاحیت مرجع قضایی واحد است. به نظر می‌رسد در این فرض مقام تحقیق، صلاحیت صدور قرار بازداشت موقت واحد را دارد؛ زیرا هدف از صدور قرارهای تأمین به خصوص قرار بازداشت موقت، دسترسی به متهم و جلوگیری از تضييع حقوق بزه‌دیده و جامعه است و هدف مزبور با صدور قرار تأمین واحد تأمین می‌گردد. از طرف دیگر، قرار بازداشت موقت خلاف اصل برائت است و با توجه به برخی ملاحظات از جمله دسترسی به متهم مشروع شده است، به جهت اینکه با صدور قرار واحد این هدف محقق می‌شود، نیازی به قرارهای بازداشت موقت دیگری نیست.

باین حال، چنانچه جرائم ارتكابی در صلاحیت مراجع قضایی مختلف باشد، در صورت ضرورت هر کدام دارای صلاحیت صدور قرار بازداشت موقت مستقلی است؛ زیرا همچنان که اشاره شد، قرار بازداشت موقت به دلیل دسترسی برای اجرای عدالت و حمایت از حقوق افراد و جامعه صورت می‌گیرد. بنابراین هر زمانی این اهداف مطرح گردد، قرار بازداشت موقت نیز توجیه می‌شود. به عنوان مثال «الف» مرتکب جرم نظامی و یک جرم امنیتی شده است. جرم نخست، در صلاحیت مراجع قضایی نظامی و دومی در صلاحیت دادگاه و دادسرا عمومی است. نخست پرونده در مرجع قضایی نظامی مطرح شده و دادسرا نظامی بر اساس قانون قرار بازداشت موقت صادر می‌کند. در نهایت «الف» از دادگاه نظامی برائت حاصل می‌کند. سپس زمانی که پرونده در دادسرای مبارزه عمومی مطرح می‌گردد، دادسرا مزبور با تکمیل شرایط قانونی، می‌تواند اقدام به صدور قرار بازداشت موقت جداگانه نماید؛ زیرا اقتضای صدور قرار بازداشت موقت در دادسرای نظامی، دسترسی به متهم در مرجع قضایی مزبور بود. به این ترتیب، صدور قرار بازداشت در دادسرا عمومی نیز اقتضای دسترسی به متهم را در دادسرای مزبور دارد؛ بنابراین، هر کدام دارای صلاحیت صدور قرار بازداشت مستقل را دارد. اما اگر قرار تأمین کیفری از نوع قرار کفالت بالمال باشد، بند ۲ ماده ۱۰۴ قانون مزبور به صورتی ضمنی به دو معیار اشاره دارد. نخست، حجم اتهام وارده؛ دوم: حجم خسارت ناشی از جرم. ماده مزبور بیان می‌دارد که (رئیس محکمه در تعیین اندازه کفالت بالمال تناسب حجم اتهام و خسارت وارده را در نظر می‌گیرد). به این ترتیب، در صورتی که همه جرائم در صلاحیت مرجع قضایی واحد باشد، مرجع قضایی مزبور

مکلف است در صدور قرار کفالت بالمال، حجم اتهام و ضرر ناشی از جرم را مدنظر قرار دهد. ولی اگر در صلاحیت مراجع قضایی مختلفی قرار داشته باشد با توجه به مواردی که قبلاً بیان شد، هر مرجع قضایی صلاحیت صدور قرار کفالت بالمال مستقلاً را خواهند داشت.

در حقوق ایران در فرض تعدد جرم بر اساس ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، قرار تأمین واحد، صادر می‌شود، مگر اینکه جرائم متعدد در صلاحیت ذاتی مراجع مختلف قضایی باشد. ماده مزبور بیان می‌دارد: «رأی اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.» به این ترتیب، هرگاه جرائم متعدد در صلاحیت ذاتی (نه محلی) مرجع قضایی واحد باشد، مقام تحقیق صلاحیت صدور قرار تأمین واحدی را دارد. اما اگر در صلاحیت ذاتی مراجع قضایی مختلف باشد، هر کدام دارای صلاحیت صدور قرار تأمین کیفری مستقل را داراست.

پرسشی که اینجا مطرح می‌گردد این است که صلاحیت دادگاه‌های دو و انقلاب یا یک و انقلاب، از لحاظ ذاتی مختلف است، اما رسیدگی‌های مقدماتی در دادرسی واحدی انجام می‌شود، در این صورت قرار تأمین کیفری متعدد صادر می‌شود؟

حقوق دانان پاسخ پرسش فوق را مثبت دانسته بیان می‌دارند: «چنانچه به اتهامات مختلف در جریان تحقیقات مقدماتی در دادرسی واحد رسیدگی شده، ولی رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف نظیر دادگاه کیفری دو و دادگاه انقلاب باشد، باید برای هر اتهام، قرار تأمین جداگانه صادر کرد.» (خالقی، ۱۴۰۳: ۲۷۸). پرسش دیگر این است که در صورتی که برخی اتهامات تحقیقات به پایان رسیده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست پرونده به دادگاه ارسال شده باشد؛ اما بخش دیگری از پرونده همچنان مفتوح مانده و نیاز به تحقیقات بیشتری داشته باشد، آیا مقام تحقیق می‌تواند نسبت به قسمت مفتوح پرونده، قرار تأمین کیفری جداگانه صادر نماید؟ به نظر می‌رسد پاسخ پرسش فوق منفی است؛ زیرا ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری از جمله قواعد آمره بوده و در صورتی که جرائم متعدد در صلاحیت مرجع قضایی واحدی باشد، صدور قرار تأمین کیفری ممکن دانسته است. این موضوع موافق یکی از نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه است. اداره حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه مشورتی ۳۰/۳/۹۴_۷۶۹/۹۴/۷ بیان می‌دارد: «اگر با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست قسمتی از پرونده به دادگاه ارسال شود و بخش‌هایی دیگر از آن همچنان در دادرسی مفتوح مانده باشد، در فرضی که رسیدگی به تمام اتهامات در صلاحیت ذاتی یک دادگاه باشد، نمی‌توان به بهانه مفتوح ماندن بخش‌هایی از پرونده قرارهای تأمین کیفری متعددی راجع به آن پرونده صادر کرد.» (حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

۲-۲. تعدد اعتباری جرم

پرسش فوق در تعدد اعتباری جرم نیز مطرح است، یعنی اگر رفتار واحد دارای عناوین و نتایج متعدد باشد صدور قرارهای تأمین کیفری چگونه است؟ به نظر می‌رسد این پرسش در تعدد اعتباری با چالش خاصی همراه نباشد. زیرا در این فرض، مرجع قضایی واحدی (جرم اشد) به پرونده رسیدگی می‌کند؛ بنابراین، صدور قرار واحد درست به نظر می‌رسد. اما ممکن است در یک صورت، حق صدور قرار تأمین کیفری برای دو مرجع قضایی محفوظ باشد و آن در

صورتی است که عناوین متعدد در صلاحیت ذاتی دو مرجع قضایی واقع گردد. مرجع قضایی نخست بعد از اخذ قرار تأمین کیفری به پرونده رسیدگی نموده و در نهایت عنوان اشد را احراز نمی‌کند و بنابراین اقدام به صدور فک قرار تأمین می‌نماید.

با توجه به محرز بودن عنوان اخف، مرجع قضایی صالح در صورت وجود موجبات اخذ قرار تأمین و صلاحیت برای صدور آن، می‌تواند اقدام کند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مبانی توجیهی صدور قرارهای تأمین کیفری، ضرورت دسترسی به متهم برای تحقق عدالت و همچنین حمایت از حقوق فردی و اجتماعی است. بر این اساس، هر زمان که این ضرورت محرز شود، صدور قرارهای تأمین کیفری توجیه حقوقی و قانونی خواهد داشت. به‌عنوان مثال «الف» مرتکب سلب آزادی دیگری می‌شود. نخست دادسرای جرائم امنیت داخلی و خارجی به‌زعم اینکه مرتکب به قصد تروریستی این کار را انجام داده به پرونده رسیدگی نموده و قرار تأمین از مرتکب اخذ می‌نماید، بعد از انجام تحقیقات و جمع‌آوری ادله، عنوان اشد (سلب آزادی به قصد تروریستی موضوع ماده ۲۷۲) احراز نمی‌شود. در نهایت مرجع قضایی مزبور اقدام به فک قرار تأمین کیفری می‌نماید. اما با توجه به محرز بودن عنوان اخف (موضوع ماده ۵۸۵) دادسرای عمومی در موجودیت موجبات صدور قرار تأمین کیفری، صلاحیت صدور آن را دارد.

۳. قرارهای نهایی

در مباحثی قبلی نیز اشاره شد، تحقیقات مقدماتی شامل سه بخش است. نخست، جمع‌آوری دلایل اعم از اینکه له یا علیه متهم باشد؛ دوم، جلوگیری از فرار متهم و حمایت از حقوق فرد و جامعه؛ سوم، صدور قرارهای نهایی. به‌این ترتیب مقام تحقیق پس از آخرین دفاعیات مرتکب و وکیل وی، در قالب قرار نهایی در رابطه به پرونده مطروحه اظهارنظر می‌نماید.

در قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان قرارهای نهایی در ماده ۱۶۳ به قرار مجرمیت، قرار لزوم اقامه دعوی جزایی (قرار منع تعقیب و موقوفی) و قرار بایگانی تقسیم شده است. در حقوق ایران نیز بر اساس مواد ۲۶۵، ۶۹۲، ۸۱ و ۸۰ قرارهای نهایی به قرار منع تعقیب، قرار موقوفی، قرار جلب دادرسی، قرار تعلیق تعقیب و قرار بایگانی تقسیم می‌شود.

قرار منع تعقیب اظهارنظر ماهوی مقام تحقیق پیرامون پرونده است (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۲۹۶). به‌عبارت‌دیگر، قرار مزبور در صورتی صادر می‌شود که رفتار انتسابی به متهم اصولاً جرم نبوده یا دلایل کافی برای انتساب آن به متهم وجود نداشته باشد (آخوندی، ۱۳۹۴، جلد ۶: ۳۰۰). اما قرار موقوفی تعقیب، یک قرار شکلی است که به‌موجب آن مقام قضایی بدون اینکه وارد ماهیت وقوع یا عدم وقوع بزه شود، تعقیب کیفری متهم را به جهتی از جهات قانونی موقوف می‌نماید. به‌عبارت‌دیگر، مقام قضایی به دلایل شکلی غیرمرتبط با ارتکاب رفتار مجرمانه، متهم را قابل تعقیب کیفری نمی‌داند (مصدق، ۱۳۹۵: ۱۸۱). هرگاه پس از انجام تحقیقات وقوع جرم احراز شده و ادله انتساب اتهام به متهم نیز وجود داشته باشد، مقام تحقیق قرار جلب دادرسی صادر می‌نماید. به‌این ترتیب برای صدور قرار جلب دادرسی دو شرط ضروری است. نخست، اینکه رفتار ارتكابی جرم باشد؛ دوم، دلیلی انتساب اتهام به متهم موجود باشد. بعد از صدور قرار جلب به دادرسی و ارسال آن نزد دادستان، دادستان بر اساس «اصل مناسبت داشتن تعقیب» ممکن است تعقیب کیفری را تعلیق نموده یا کلاً پرونده را بایگانی نماید که در فرض اخیر به صورتی موقت یا دائمی

پرونده مختومه می‌شود. باین حال پرسشی که مطرح می‌گردد این است که در فرض تعدد جرم صدور قرارهای نهایی چگونه است؟ به عبارت دیگر در صورتی ارتكابی جرائم متعدد، آیا مقام تحقیق پیرامون هر جرم اظهارنظر جداگانه می‌نماید؟ در فرض مثبت بودن این پرسش، آیا می‌شود در رابطه با برخی جرائم قرار منع تعقیب کیفری، موقوفی، تعلیق تعقیب بایگانی و برای دیگری قرار جلب به دادرسی صادر کرد؟

با توجه به اینکه قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب توسط بازپرس صورت می‌گیرد، بنابراین در یک بحث در مقابل قرار جلب به دادرسی مطرح می‌گردد. قرار تعلیق تعقیب و بایگانی توسط دادستان صادر می‌شود در بحثی مستقلی دیگری مطرح خواهد شد. به این ترتیب در دو بحث جداگانه به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب

در حقوق افغانستان اصطلاح قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب به کار نرفته؛ ولی محتوای آن تحت قرار لزوم اقامه دعوی جزایی مورد اهتمام قانون‌گذار افغانستان قرار گرفته است. قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان در بند ۱ ماده ۱۶۹ بیان می‌دارد: «هرگاه دلایل اثبات علیه متهم موجود نبوده، دادستان قرار عدم لزوم اقامه دعوی جزایی را صادر می‌کند»، همچنین ماده ۱۷۱ قانون مزبور بیان می‌دارد: «حارنوال «دادستان» در احوال آتی قرار مبنی بر عدم لزوم اقامه دعوی جزایی را صادر می‌نماید: ۱- در صورت عدم وقوع جرم... ۲- در حالت سقط دعوی جزایی» بر اساس ماده ۷۱ قانون مزبور دعوی جزایی به سبب مرور زمان، وفات متهم، عفوی عمومی، نسخ قانون، اعتبار امر مختومه و... ساقط می‌گردد. به این ترتیب، اگر رفتار ارتكابی جرم نبوده یا دلایل اثبات علیه متهم وجود نداشته باشد، یا این اسباب سقوط دعوی موجود باشد، قرار عدم لزوم اقامه دعوی جزایی (قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب) صادر می‌شود.

در حقوق ایران نیز بر اساس ماده ۲۶۵ بازپرس مکلف است، در فرض وجود عدم وقوع جرم یا فقدان دلیل اثبات علیه متهم، قرار منع تعقیب صادر نماید. ماده مزبور بیان می‌دارد: «بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند...» باین حال، پرسشی که مطرح می‌شود این است، در فرض تعدد جرم آیا مقام تحقیق می‌تواند پیرامون برخی جرائم قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب و برخی دیگر قرار جلب به دادرسی صادر کند؟

۳-۱-۱. تعدد مادی جرم

در خصوص سؤال مطرح شده، هیچ حکم صریحی در حقوق افغانستان وجود ندارد؛ اما باید در تعدد مادی جرم، دو فرض را باید مدنظر داشت: نخست، اینکه هرگاه تعدد جرم از نوع تعدد مادی غیرمرتبط و مرتبط قابل تجزیه باشد، مقام تحقیق مکلف است پیرامون هر جرم اظهارنظر جداگانه نموده و برای هر جرم برحسب شرایط قانونی، قرار منع تعقیب، موقوفی تعقیب و قرار جلب به دادرسی صادر نماید؛ زیرا بر اساس ماده ۷۵ کد جزای افغانستان، در موارد تعدد مادی جرائم (اعم از غیرمرتبط و مرتبط قابل تجزیه)، مرجع قضایی مکلف است برای هر جرم، مجازات جداگانه صادر نموده و مجازات‌ها را نیز یکی پس از دیگری بر مرتکب اعمال می‌گردد. بنابراین، در تحقیقات مقدماتی نیز

هر جرم به صورت جداگانه توسط مقام تحقیق بررسی شده و مقام مزبور مکلف است، در آخر تحقیقات پیرامون هر جرم اظهار نظر مستقل داشته باشد.

نتیجه اظهار ممکن است برای برخی قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب و برای برخی دیگر قرار جلب به دادرسی باشد. به عنوان مثال «الف» متهم به اهانت به ادیان موضوع ماده ۳۳۳ و حریق عمدی موضوع ماده ۳۴۴ کد جزای افغانستان مصوب سال ۱۳۹۶ شده است. به این ترتیب مقام تحقیق پس از انجام تحقیقات اتهام اهانت به ادیان را محرز نمی داند یا جرم توهین محرز بوده، ولی مشمول مرور زمان قرار گرفته است در این صورت قرار منع تعقیب یا قرار موقوفی تعقیب صادر می نماید. به این ترتیب، صدور قرار منع تعقیب پیرامون جرم اهانت به ادیان هیچ تأثیری بر جرم حریق عمدی ندارد و مقام مزبور مکلف است پیرامون جرم حریق عمدی اظهار عقیده جداگانه نماید.

دوم، اگر تعدد جرم از نوع تعدد مادی غیر قابل تجزیه باشد در این فرض نیز پیرامون همه جرائم اظهار نظر جداگانه صورت می گیرد. زیرا بر اساس ماده ۷۳ کد جزای افغانستان هر چند مجازات اشد اعمال می شود؛ ولی در مقام صدور حکم، به هر جرم به صورتی جداگانه محکومیت صادر می گردد و از طرف دیگر بر اساس ماده مزبور جرم اشد به هر دلیلی ساقط شود، مجازات بعدی دیگری بر مرتکب اعمال می گردد. بنابراین، موضوع نشان می دهد که پیرامون مجرمانه یا غیر مجرمانه بودن هر رفتار به صورتی جداگانه اظهار نظر می شود. به عنوان مثال «الف» برای ارتکاب سرقت مرتکب تخریب درب منزل «ب» می شود. مقام تحقیق مکلف پیرامون مجرمانه بودن «جرم تخریب» و «جرم سرقت» به صورتی جداگانه اظهار نظر نماید و بر حسب شرایط ممکن است برای یکی قرار منع تعقیب و برای دیگری قرار جلب به دادرسی صادر شود.

در صورتی در رابطه با جرم اشد قرار منع تعقیب کیفری صادر گردد، هیچ تأثیر بر جرم اخف به جا نمی گذارد؛ زیرا همچنان که اشاره شد، بر اساس ماده ۷۳ در مقام صدور حکم برای هر جرم به صورتی جداگانه مجازات در نظر گرفته شده و مورد حکم دادگاه قرار می گیرد و از همه مهم تر در صورتی که مجازات اشد به هر دلیلی ساقط شود، مجازات بعدی اجرا می گردد. بنابراین «صدور حکم جداگانه بر هر جرم و جایگزین شدن مجازات اخف در حالت سقوط مجازات اشد» نشان دهنده این موضوع است که پیرامون جرم اشد قرار منع تعقیب کیفری صادر گردد، هیچ تأثیری در رابطه با جرم اخف ندارد و مقام تحقیق در صورت محرز بودن جرم اخف قرار جلب به دادرسی صادر می نماید.

در حقوق ایران تعدد مادی جرم، گاهی ناشی از رفتار متعدد و گاهی ناشی از رفتار واحد است. در حالت نخست جرائم ارتكابی ممکن است مشابه باشند یا متفاوت، در هر دو صورت، مقام تحقیق مکلف است پیرامون تک تک جرائم، اظهار عقیده نماید؛ زیرا هر جرمی دارای عناصر سه گانه مستقلاً بوده و محرز شدن همه آن ها، از وظایف و تکالیف مقام تحقیق است. از طرف دیگر بر اساس بندهای «ب» «پ» و «ت» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۹، احراز یا عدم احراز مجرمانه بودن رفتار یا قابل یا عدم قابلیت ادامه تعقیب علیه متهم در چگونگی تعیین مجازات تأثیرگذار است. به عنوان مثال بر اساس بند «ب» ماده ۱۳۴ هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد حداقل مجازات هر یک از جرائم، بیشتر از حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است. در همین حال هرگاه جرائم بیش از سه جرم باشد، مجازات هر کدام حداکثر مجازات قانونی است. بنابراین مجرمانه یا قابل تعقیب

یک رفتار در تعیین مجازات بر اساس بندهای «ب» تأثیرگذار است. بنابراین ممکن است اظهارنظر پیرامون یک رفتار مجرمانه، جرائم ارتكابی را کمتر از سه جرم و بیشتر از آن قرار دهد و در هر دو صورت تعیین مجازات متفاوت می‌شود. به این ترتیب مقام تحقیق می‌بایست پیرامون هر جرم به صورتی جداگانه اظهار عقیده نماید و نتیجه آن ممکن است برای برخی قرار منع تعقیب یا موقوفی و برای برخی دیگر قرار مجرمیت صادر شود.

حالت دوم، جرائم متعدد ناشی از رفتار واحد است. در این صورت نیز مقام تحقیق می‌بایست پیرامون هر دو نتیجه اظهار عقیده نماید؛ زیرا بر اساس بند «ث» ماده ۱۳۴ صرفاً مجازات اشد حکم و اعمال می‌شود و این ممکن نیست، مگر اینکه هر دو عنوان محرز باشد. بنابراین بعد از انجام تحقیقات مقام تحقیق مکلف است در رابطه با تک‌تک از نتایج واقع شده اظهارنظر نماید و به این ترتیب ممکن است برای برخی قرار منع تعقیب کیفری یا قرار موقوفی و برای برخی دیگر قرار مجرمیت صادر نماید.

۳-۱-۲. تعدد اعتباری جرم

هیچ حکمی در این خصوص در حقوق افغانستان وجود ندارد. ولی به نظر می‌رسد مقام تحقیق می‌بایست نسبت به هر دو عنوان یا نتیجه اظهارنظر نماید. به دلیل اینکه اولاً، ماده ۷۶ کد جزا در فرض تعدد اعتباری مجازات اشد را قابل اعمال دانسته است و این زمانی ممکن است که مجرمانه بودن هر دو رفتار محرز باشد؛ ثانیاً، بر اساس ماده مزبور، اگر عناوین یا نتایج دارای مجازات مساوی باشد دادگاه یکی از مجازات عناوین و نتایج را مورد حکم قرار می‌دهد. بنابراین، برای اینکه دادگاه بتواند مجازات یکی از عناوین را انتخاب کند، باید مجرمانه بودن عناوین و نتایج مشخص باشد.

به عنوان مثال، مقتل و یا وارد کردن صدمات شدید بدنی به قصد نابود ساختن تمام بخشی از گروه قومی ملی و... به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سازمان یافته بر اساس ماده ۳۳۳ نسل‌کشی و بر اساس ماده ۳۳۵ کد جزا جنایت علیه بشریت تلقی می‌گردد. مجازات جنایت علیه بشریت (موضوع ماده ۳۳۶ حبس دوام درجه ۱ یا اعدام) شدیدتر از مجازات نسل‌کشی (موضوع ماده ۳۳۴ حبس دوام درجه ۲) است، بنابراین برای اینکه مجازات اشد مورد حکم قرار گیرد، جرم اخف نیز محرز باشد.

نکته‌ای که باید اینجا یادآور شد این است که در تعدد عنوانی که مجازات اشد اعمال می‌گردد، مقام تحقیق در اظهارنظرهایی می‌تواند نسبت به عنوان اشد قرار منع تعقیب کیفری و نسبت به عنوان اخف قرار مجرمیت صادر نماید. اما نمی‌تواند برای عنوان اشد قرار موقوفی و عنوان اخف قرار مجرمیت صادر کند. به دلیل اینکه قرار منع تعقیب به دلیل عدم مجرمانه بودن رفتار و انتساب آن به متهم صادر می‌شود؛ بنابراین در صورتی که مجرمانه بودن عنوان اشد محرز نشود و یا در انتساب آن به متهم دلیل کافی وجود نداشته باشد و در عین حال، عنوان اخف محرز و نسبت به آن متهم نیز وجود داشته باشد، مقام تحقیق می‌تواند نسبت به عنوان اخف قرار منع تعقیب و برای عنوان اخف قرار مجرمیت صادر کند؛ زیرا ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی در صورتی که دو عنوان اشد و اخف در کنار هم باشد، تصریح به اعمال مجازات اشد نموده است. در فرضی که دیگر عنوان اشد وجود ندارد، تعقیب کیفری عنوان اخف با مانع روبه‌رو نیست.

باین حال، اگر مقام تحقیق عنوان اشد (جرم شدیدتر) را محرز دانسته و قرار موقوفی تعقیب صادر نماید، دیگر نمی‌توان نسبت به عنوان اخف (جرم خفیف‌تر) قرار مجرمیت صادر کرد. این امر به این دلیل است که در چنین فرضی، مجرمانه بودن عنوان اشد به اثبات رسیده و قانون صراحتاً فقط به صدور و اجرای مجازات اشد اکتفا کرده است. در واقع، با سقوط دعوای کیفری نسبت به جرم اشد (به دلایلی مانند جهات سقوط دعوا)، اساساً امکان تعقیب کیفری متهم نسبت به عنوان اخف نیز منتفی می‌شود.

۲-۳. قرارهای تعلیق تعقیب و بایگانی

تاریخ حقوق کیفری گواه این موضوع است که نظام الزامی بودن تعقیب کیفری از لحاظ تاریخی قدمت بیشتری نسبت به نظام متناسب بودن تعقیب دارد (رضایی، ۱۳۸۹: ۲۲). دلیل این امر این است که در گذشته درک از جایگاه دادستان، ابتدایی، ساده و غالباً بی‌اطلاعی از واقعیات پرونده بوده و از طرف دیگر با توجه به غیرهدفمند بودن مجازات و انتقام‌جویانه بودن آن، ذهنیت جامعه و نهادهای پاسدار از ارزش‌های حاکم بر آن، تعقیب کیفری را به هر قیمتی، در اولویت می‌دیدند. به این ترتیب در این نظام مقام تعقیب کیفری، اختیاری برای ارزیابی، سبک و سنگین کردن جرائم هزینه و فایده مجازات و اقدامات تعقیبی ندارد (رضایی، ۱۳۸۹: ۲۲).

دو واقعیت موجب پیدایش نظام متناسب بودن تعقیب کیفری در نظام‌های حقوق کشورها شد. نخست وضعیت نظری؛ از لحاظ نظری با پیدایش مکاتب جدید در حقوق کیفری و جرم‌شناسی از جمله مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی نوین و غیره که تأکید بر فردی کردن مجازات و سودمند بودن آن می‌نمودند و از طرف دیگر در خیلی موارد، علل ارتکاب جرم را برچسب نهادهای رسمی بر پیکره مرتکب می‌دانستند، موجب پیدایش نظام متناسب بودن تعقیب کیفری شد، به دلیل اینکه نظام مزبور سازوکار مناسبی برای تحقق اهداف آن‌ها محسوب می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

دوم، واقعیت عملی؛ از لحاظ کاربردی، با توجه به حجم بالای پرونده‌های کیفری و وقت‌گیر بودن و همچنین پرهزینه بودن تعقیب برخی از پرونده‌ها و کاهش آثار روانی تعقیب کیفری ناشی از اطاله دادرسی، اولویت‌بخشی به پرونده‌های مهم‌تر در فرایند رسیدگی، اقتضای یک نظام تعقیب معقول و سنجیده را می‌نمود (رضایی، ۱۳۸۹: ۲۲). به این ترتیب نظام متناسب بودن تعقیب کیفری در بدنه نظام کیفری به وجود آمد.

در نظام متناسب بودن تعقیب کیفری، وقتی جرمی کشف می‌شود یا جرمی اعلام یا مورد شکایت قرار می‌گیرد، این گونه نیست که مقام تعقیب بلافاصله اقدام به تعقیب و پیگرد قانونی نماید، بلکه ابتدا یک برآورد و سنجشی از شدت جرم ارتكابی، شدت برهم خوردن نظم عمومی، هزینه‌های مختلف تعقیب و اجرای مجازات به عمل می‌آورد و سپس در صورتی که تعقیب را مناسب بداند اقدام به تعقیب می‌نماید، در غیر این صورت پرونده تعلیق و بایگانی شده و از دستور کار وظیفه‌ای این مقام خارج می‌شود. از این رو، قرار تعلیق تعقیب و قرار بایگانی در راستای و در تبعیت از نظام متناسب بودن تعقیب است.

در حقوق افغانستان هرچند قرار بایگانی در راستای نظام متناسب بودن تعقیب، به‌عنوان یکی از قرارهای نهایی در بند ۶ ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قرار گرفته است، اما در رابطه با قرار تعلیق تعقیب هیچ

نصی وجود ندارد. به این معنا که تعلیق تعقیب کیفری در نظام حقوقی افغانستان تا هنوز جا باز نکرده است. اما در حقوق ایران بر اساس مواد ۸۰ و ۸۱ به قرار بایگانی و تعلیق تعقیب پرداخته شده است.

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که در فرض تعدد جرم، صدور قرار تعلیق و بایگانی تعقیب کیفری ممکن است؟ در فرض مثبت بودن پرسش، آیا به هر جرم به صورتی جداگانه قرار تعلیق و بایگانی صادر می‌شود یا صدور قرار واحدی کافی است؟ پرسش اخیر زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در تعدد جرم، سیستم مجازات اشد حاکم باشد، در صورتی جرم دارای مجازات اشد، بایگانی و تعلیق شود، آیا تعقیب کیفری نسبت به جرائم دارای مجازات اخف نیز متوقف می‌گردد؟

پاسخ پرسش فوق نخست در تعدد مادی جرم مطرح شده سپس در تعدد اعتباری جرم واکاوی می‌گردد.

۳-۲-۱. تعدد مادی جرم

در حقوق افغانستان هرگاه تعدد جرم از نوع تعدد مادی غیرمرتبط باشد، به نظر می‌رسد با توجه به بند ۲ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان (که جرائم ارتكابی به صورت جداگانه تحقیق و بررسی می‌شود) و ماده ۷۵ کد جزا (که به همه جرائم ارتكابی به صورتی مجازات تعیین شده و هر کدام یکی پس از دیگری بر مرتکب اعمال می‌شود یعنی جمع مجازات حاکم است) در صورتی که دادستان عدم تعقیب جرائم را مناسب و به مصلحت جامعه بداند، مکلف است پیرامون تک تک جرائم قرار بایگانی جداگانه صادر نماید. به دلیل اینکه، هر جرم به صورت جداگانه تحقیق شده و مقتضی اظهار نظر جداگانه است. بنابراین صدور قرار بایگانی پیرامون یکی از جرائم، هیچ تأثیر بر بایگانی شدن سایر جرائم ندارد.

اما اگر جرائم ارتكابی، از نوع تعدد مادی مرتبط غیرقابل تجزیه باشد، دو احتمال می‌تواند مطرح شود. احتمال نخست، اینکه با توجه به اعمال مجازات اشد، در صورت صدور قرار بایگانی پیرامون جرم اشد، نیاز به صدور قرار بایگانی نسبت به جرائم دارای مجازات اخف نیست، به دلیل اینکه در فرض مزبور بر مرتکب مجازات جرم اشد اعمال می‌شود. احتمال دوم، این است که دادستان مکلف است نسبت به همه جرائم ارتكابی قرار بایگانی جداگانه صادر نماید. به دلیل اینکه در تعدد مادی مرتبط هر چند مجازات اشد بر مرتکب اعمال می‌شود ولی جرائم جداگانه‌ای صورت گرفته است. به نظر می‌رسد احتمال دوم به صواب نزدیک باشد، زیرا بر اساس ماده ۷۳ کد جزا در تعدد مادی مرتبط غیرقابل تجزیه، دادگاه مکلف است که مجازات همه جرائم را به صورتی جداگانه مورد حکم قرار دهد و مقام اعمال مجازات، مجازات جرم اشد اعمال می‌گردد. به این ترتیب صدور حکم جداگانه به جرائم، اقتضای این را دارد که صدور قرار بایگانی جرم اشد، تعقیب کیفری نسبت به جرم اخف را متوقف نمی‌کند و اگر دادستان مصلحت را در عدم تعقیب کیفری می‌داند مکلف است که نسبت به همه جرائم اقدام به صدور قرار بایگانی نمایند. در حقوق ایران نیز چنانچه جرائم ارتكابی هر کدام دارای شرایط بایگانی و تعلیق تعقیب باشد و مقام تعقیب (دادستان) نیز در صورتی که تعقیب کیفری را به هر دلیل به مصلحت جامعه نداند، مکلف است برای هر جرم یا جرائمی که قابل بایگانی و تعلیق است؛ قرار بایگانی و تعلیق تعقیب جداگانه صادر نماید و صرف بایگانی و تعلیق تعقیب جرم اشد به معنای بایگانی و تعلیق تعقیب جرائم اخف نیست؛ زیرا اولاً، در تعدد مادی جرم، جرائم ارتكابی هر کدام دارای هویت و عناصر مستقلی جرمی است؛ بنابراین بایگانی و تعلیق یکی از جرائم تأثیری بر جرم دیگری ندارد؛

ثانیاً، بر اساس بندهای «ب، پ، ت و ث» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی برای هر کدام مجازات جداگانه تعیین می‌شود. تعیین مجازات جداگانه نشان دهنده استقلال جرائم است و می‌بایست در مرحله تحقیق و تعقیب نیز، اتخاذ تصمیم بر همین مبنا باشد.

نکته‌ای که اینجا باید به آن پرداخته شود، بند «ج» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی است. بر اساس ماده مزبور در صورتی که رفتار واحد دارای نتایج متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌گردد. در این فرض با توجه اینکه قانون‌گذار تأکید بر مجازات اشد نموده است و تکلیف عنوان اخف را مشخص نکرده، وضعیت پیچیده است. به نظر می‌رسد بایستی برای هر جرم قرار بایگانی و یا تعلیق تعقیب جداگانه صادر نماید. به دلیل اینکه، همان‌طوری که قبلاً ملاحظه شد، تعدد نتیجه هنوز گونه‌ای از تعدد مادی جرم است و بایستی احکام تعدد مادی نیز اینجا رعایت گردد.

۳-۲-۲. تعدد اعتباری جرم

در خصوص نحوه صدور قرارهای تعلیق تعقیب و بایگانی در حقوق افغانستان و ایران نص خاصی وجود ندارد. اما به نظر می‌رسد بایگانی شدن عنوان و یا نتیجه اشد به معنای بایگانی شدن عنوان یا نتیجه اخف است. به دلیل اینکه در فرض تعدد اعتباری جرم بر اساس ماده ۷۶ کد جزای افغانستان و ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ایران، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌گردد. با توجه به اینکه دادستان عدم تعقیب عنوان یا نتیجه اشد مناسب دانسته است، دیگر عنوان یا نتیجه اشدی وجود ندارد که مرتکب به مجازات آن محکوم گردد، بنابراین تعقیب کیفری متوقف می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نتایج ذیل حاصل مجموع مباحث است که این پژوهش به آن پرداخته است:

تعدد جرم در اقدامات تحقیقی تأثیرگذار است. منظور از اثرگذاری این است که تعدد جرم، موجب خلق وضعیت‌های جدید می‌شود که نیاز به سیاست‌گذاری افتراقی دارد. روند اقدامات تحقیقی به‌عنوان بخشی از فرایند رسیدگی‌ها در حقوق افغانستان و ایران با خألهای قانونی روبه‌رو بوده و نیازمند توجه ویژه به آن است. آنچه پژوهش حاضر بر آن تأکید می‌کند این است، چنانچه جرائم متعدد از نوع تعدد مادی باشد، هرچند مرتکب در نهایت به مجازات جرم اشد محکوم گردد، مقام تحقیق در راستای ادای تکلیف، بایستی همه جرائم را به‌صورت جداگانه تفهیم نماید؛ زیرا هر جرم موجب وضعیت حقوقی مستقل بوده و نیازمند بررسی‌های جداگانه است. از طرف دیگر بر اساس مواد ۷۳ کد جزا مصوب سال ۱۳۹۶ و ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۲ دادگاه به‌صورت مستقل برای جرم مجازات جداگانه در نظر می‌گیرد و چنانچه مجازات اشد به هر دلیلی غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد. بنابراین صدور حکم مستقل و اجرای مجازات اخف در صورت عدم اجرایی شدن مجازات اشد، نشان دهنده این موضوع است که بایستی همه جرائم به متهم تفهیم شود. در تعدد اعتباری جرم، رفتار مادی همراه با عناوین جرمی تفهیم می‌گردد که در فرض عدم احراز عنوان اشد نیاز به تفهیم دوباره عنوان اخف نباشد.

در رابطه به صدور قرارهای نهایی در فرض تعدد جرم در حقوق افغانستان نصی وجود ندارد؛ اما در حقوق ایران چنانچه جرائم متعدد (تعدادی) در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد، برای هر کدام قرارهای تأمین جداگانه صادر می‌گردد، اما اگر در صلاحیت دادگاه واحد باشد، قرار تأمین کیفری واحد صادر می‌گردد. در ارتباط با تعدد اعتباری جرم، حقوق ایران نیز مانند حقوق افغانستان ساکت است. با توجه به تحلیل‌های انجام شده در پژوهش حاضر به نظر می‌رسد در تعدد اعتباری با توجه به محکومیت مرتکب به مجازات اشد، قرار تأمین کیفری واحد صادر می‌گردد.

همچنین در خصوص صدور قرارهای نهایی در فرض تعدد جرم، نیز حقوق افغانستان و ایران با خلأهای قانون روبه‌روست، به نظر می‌رسد در تعدد مادی جرم (چه سیستم جمع مجازات و چه سیستم مجازات اشد حاکم باشد) در قالب‌های قرارهای جداگانه اظهارنظر صورت می‌گیرد. به این ترتیب ممکن است برای برخی قرار جلب دادرسی و برای برخی دیگر قرار منع تعقیب و قرار موقوفی صادر شود و دادستان نیز برای اساس اصل مناسبت داشتن تعقیب کیفری برای هر کدام قرار تعلیق تعقیب و بایگانی صادر می‌کند. به دلیل اینکه هر جرم سبب جداگانه تلقی شده که مقتضی مسبب خود است و هر کدام مصلحت جداگانه را مورد تعرض قرار داده است. در تعدد اعتباری جرم چنانچه سیستم جمع مجازات حاکم باشد نسبت به همه جرائم اظهارنظر واحدی صورت می‌گیرد، اما اگر سیستم مجازات اشد حاکم باشد، صرفاً نسبت به عنوان اشد قرارهای جلب دادرسی، منع تعقیب و یا موقوفی صادر می‌کند، به دلیل اینکه مبنای سیاست‌گذاری عنوان اشد است.

منابع

الف: کتب و مقالات

- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، چاپ هفدهم، جلد ۶، تهران: انتشارات دور اندیشان
- جعفری، جعفری لنگرودی (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر گنج دانش.
- جوان آراسته، حسین (۱۴۰۰). حقوق بشر در اسلام، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۴). بایسته‌های آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- حاجی تبار فیروزجایی (۱۳۹۵). حسن، آیین دادرسی کیفری کاربردی (قراها). چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- حسن زاده، نصرت (۱۳۹۶). محشای قانون آیین دادرسی کیفری کاربردی مصوب ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- خالقی، علی (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری، چاپ سی و هفتم، جلد ۱، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۴۰۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و یک، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خزانی، منوچهر (۱۳۶۸). بحثی پیرامون توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت و آثار آن در فرایند کیفری، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۸ - ۱۴۹، ۱۰۵ - ۱۴۰.
- رضایی، غلامحسین (۱۳۸۹). راهبردهای تعلق و تعویق در فرایند کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- سروری، فتحی (۲۰۱۶). الوسيط فی القانون الاجرائات الجزائی، جلد ۱، قاهره، دارالنهضة العربی.
- طهماسبی، جواد و گلریز، امین (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی بازداشت موقت در مقررات و رویه دادگاه‌های کیفری بین المللی با اسناد حقوق بشر و حقوق داخلی، مطالعات حقوق تطبیقی مهر، دوره ۳، شماره ۲، پیاپی ۲، ۸۳ - ۱۰۰.
- طهماسبی، جواد (۱۳۶۹). آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان.
- قندرو بی‌جا پس اسماعیل (۱۳۸۶). موقعیت حبس در فقه و حقوق جزای ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات پاد اندیشه.
- محمودی جانکی فیروز و جلیلی پیرایی، علی اکبر (۱۴۰۰). تفهیم اتهام در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، دوره ۱۲، شماره ۱، ۳۱۳ - ۳۲۹.
- مصدق، محمد (۱۳۹۵). قرارهای تأمین کیفری، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- مهرداد، نسرين و دیگران (۱۳۹۷). قرار بازداشت موقت در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و مقایسه آن با ضوابط ناظر بر این قرار در آیین دادرسی کیفری ایران ۹۲، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۸۴، ۱۰۹ - ۱۳۸.
- نادری، نادری (۱۳۸۶). تفهیم اتهام در مقررات کیفری ایران، نشریه دانش انتظامی، دوره ۹، شماره ۳ (مسلسل ۳۵)، ۱۶۸ - ۱۷۹.
- نجفی ابرندآبادی، حسین (۱۳۹۱). در باره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین) دیباچه بر کتاب مدیریت انسان مدار ریسک جرم، نوشته سودابه رضوانی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- الهی منش، محمد رضا (۱۳۹۸). قرار بازداشت موقت و جایگزین‌های آن، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجد.

ب: قوانین

- قانون اجرائات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۹۲.
- قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴.

قانون تشکیل و صلاحیت‌های ثارنوالی (دادسرا).

قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۲.

کد جزای افغانستان مصوب سال ۱۳۹۶.

چکیده تفصیلی

تعدد جرم مفهومی بنیادین در حقوق کیفری است که آثار آن نه تنها در تعیین نوع و میزان مجازات‌ها در بخش ماهوی حقوق کیفری قابل توجه است، بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی که بخشی از حقوق شکلی به شمار می‌رود نیز تأثیرگذار است. با آنکه در منابع فقهی و حقوقی بیشتر توجه به ابعاد ماهوی تعدد جرم معطوف شده، بررسی دقیق آثار آن بر نحوه اقدامات تحقیقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا حقوق کیفری شکلی وظیفه دارد، زمینه تحقق و اجرای صحیح عدالت کیفری را از طریق تعیین سازوکارهای دادرسی فراهم آورد. تحقیقات مقدماتی، مرحله‌ای حساس و تعیین کننده است که در آن هم حقوق متهم و هم حقوق بزه‌دیده باید با دقت رعایت شود. از این رو، توجه به پیامدهای تعدد جرم در این مرحله، به‌ویژه در دو نظام حقوقی افغانستان و ایران، از حیث تطبیقی و آسیب‌شناسی مقررات موجود، ضرورتی انکارناپذیر است. در این زمینه، بررسی حقوق کیفری افغانستان و ایران نشان می‌دهد که این دو نظام، علی‌رغم تفاوت‌های شکلی در ساختار حقوقی، با چالش‌های مشابهی در موضوع تعدد جرم مواجه‌اند. یکی از این چالش‌ها، نبود ضوابط روشن در خصوص چگونگی انجام تفهیم اتهام، صدور قرارهای تأمین و قرارهای نهایی در شرایطی است که متهم با بیش از یک اتهام مواجه است. قانون‌گذار در هر دو کشور، عمدتاً تمرکز خود را بر قواعد کلی مربوط به تعدد جرم در بخش ماهوی نهاده و کمتر به آثار آن در مرحله دادرسی و به‌ویژه تحقیقات مقدماتی پرداخته است. همین خلأ سبب شده که در عمل، رویه‌های مختلفی از سوی مقامات تحقیق در مواجهه با متهمان دارای تعدد جرم اتخاذ گردد که گاه به بی‌عدالتی یا نقض حقوق دفاعی متهم منجر می‌شود. در مواردی که فرد مرتکب چند رفتار مجرمانه متمایز شده باشد، یعنی تعدد جرم مادی محقق گردد، مقام تحقیق باید هر یک از رفتارها را به‌صورت مستقل مورد رسیدگی قرار دهد. این استقلال، هم در تفهیم اتهام، هم در صدور قرارهای تأمین کیفری و هم در تصمیم‌گیری نهایی باید رعایت شود. در عمل، این بدان معناست که به ازای هر جرم، باید یک تفهیم اتهام جداگانه صورت گیرد و حتی امکان صدور قرارهای تأمین مختلف نیز وجود دارد، به‌ویژه در صورتی که جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی مراجع قضایی متفاوت باشند. برای نمونه، اگر فردی مرتکب یک فقره جعل سند و یک فقره سرقت شده باشد، بسته به اینکه هر کدام از این جرائم در حوزه صلاحیت کدام دادگاه باشد، مقام تحقیق ناگزیر از تفکیک در روند رسیدگی خواهد بود. افزون بر این، اگر این جرائم نیاز به قرارهای بازداشت یا کفالت مجزا داشته باشند، بازپرس باید به‌صورت جداگانه نسبت به هر یک اقدام نماید. در سوی دیگر، در فرض تعدد اعتباری که رفتار مجرمانه واحد مشمول عناوین کیفری متعدد است، باید به ظرافت‌های خاص آن توجه شود. در چنین حالتی، مقام تحقیق وظیفه دارد جرم را در قالب اشدترین عنوان موجود مورد رسیدگی قرار دهد. به عبارت دیگر، تفهیم اتهام باید بر اساس جرم اشد انجام گیرد و قرار تأمین نیز ناظر بر همان جرم باشد. باین حال، مقام تحقیق نمی‌تواند نسبت به سایر عناوین مجرمانه احتمالی بی‌توجه باشد، زیرا تصمیم نهایی درباره مجازات اشد در دادگاه، منوط به شناسایی و تحلیل دقیق کلیه عناوین است؛ بنابراین، حتی اگر تأمین کیفری و تفهیم اتهام صرفاً بر اساس یک عنوان صورت گیرد، بازپرس یا دادیار مکلف است در مرحله صدور قرار نهایی، نسبت به همه عناوین اظهار نظر کند، خواه به شکل منع تعقیب، موقوفی تعقیب، یا ارجاع به دادگاه از طریق کیفرخواست باشد. در نظام حقوقی ایران، ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور محدود به موضوع اتهامات متعدد اشاره دارد، ولی همچنان در خصوص تعدد مادی یا تعدد اعتباری، به‌ویژه در خصوص شیوه تفکیک اقدامات تحقیقی، ساکت است. در افغانستان نیز قانون اجراءات

جزایی همین خلأ را دارد. این سکوت، زمینه‌ساز صدور آرای متفاوت از سوی مراجع تحقیق و محاکم گردیده است. در برخی موارد، مشاهده می‌شود که در مواجهه با چند جرم مستقل، تنها یک کیفرخواست صادر می‌شود و یا تفهیم اتهام صرفاً ناظر به یک جرم صورت می‌گیرد، در حالی که این شیوه، به‌ویژه در فرض تعدد مادی، برخلاف اصول دادرسی منصفانه و شفاف است. مسئله مهم دیگر، شیوه صدور قرارهای تأمین کیفری است. در تعدد مادی، اصل بر آن است که هر جرم نیازمند صدور قرار متناسب خود است، زیرا هر کدام پرونده‌ای مستقل تلقی می‌شوند، مگر آنکه مقام تحقیق در مقام تجمیع آن‌ها برآید. در تعدد اعتباری، اگرچه یک رفتار مادی با عناوین مختلف مطرح است، اما بازهم قرار تأمین باید بر اساس جرم اشد صادر گردد. باین وجود، چنانچه در فرآیند دادرسی، جرم اشد منتفی یا مردود گردد، باید امکان بازبینی و اصلاح تصمیم‌گیری‌ها فراهم باشد. نکته‌ای که در نظام‌های مورد مطالعه کمتر به آن توجه شده است. از سوی دیگر، قرار نهایی که نتیجه تحقیقات مقدماتی را منعکس می‌سازد، باید از جامعیت لازم برخوردار باشد. مقام تحقیق نمی‌تواند تنها بر اساس یک عنوان کیفری اظهارنظر کند و عناوین دیگر را نادیده بگیرد، حتی اگر تصمیم داشته باشد که متهم به مجازات اشد محکوم شود؛ زیرا برای صدور حکم نهایی، دادگاه نیاز به بررسی مستندات و ادله مربوط به تمامی رفتارها یا عناوین دارد. بنابراین، قرار نهایی باید ناظر بر کلیه افعال مجرمانه (در تعدد مادی) یا کلیه عناوین محتمل (در تعدد اعتباری) باشد. درنهایت، بررسی تطبیقی دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های ساختاری و زبانی، ضعف مشترکی در زمینه‌ی قانون‌گذاری نسبت به موضوع تعدد جرم در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود دارد. نبود دستورالعمل‌ها و رویه‌های ثابت، بازپرسان و دادیاران را در معرض سردرگمی قرار می‌دهد و در برخی موارد، ممکن است سبب نقض حقوق متهم یا تضعیف حقوق بزه‌دیده گردد. از همین رو، پیشنهاد می‌شود که در قوانین آیین دادرسی کیفری هر دو کشور، مقررات روشنی در خصوص اقدامات تحقیقی در فرض تعدد جرم گنجانده شود و از سوی مراجع عالی قضایی، رویه‌های منسجم و الزام‌آوری برای هدایت قضات تحقیق تدوین گردد. موضوع تعدد جرم و تأثیر آن بر مراحل پیشین دادرسی، تنها جنبه فنی یا شکلی ندارد، بلکه با اصول عدالت کیفری، رعایت حق دفاع، حق برخورداری از دادرسی منصفانه و جلوگیری از اطاله دادرسی پیوند دارد. از این جهت، اصلاح و توسعه چارچوب‌های قانونی مرتبط با آن، ضرورتی فوری و اجتناب‌ناپذیر در جهت تضمین کارآمدی نظام دادرسی کیفری و ارتقای سطح اعتماد عمومی به عدالت است.

کلیدواژگان:

تعدد جرم، تفهیم اتهام، قرار تأمین کیفری، قرار نهایی، بازپرس، تحقیقات مقدماتی، حقوق افغانستان، حقوق ایران، جرم مادی، جرم اعتباری.

Extended Abstract

Concurrence of crimes is a fundamental concept in criminal law, the effects of which are significant not only in determining the type and extent of punishments in the substantive part of criminal law but also in the preliminary investigation stage, which is considered part of procedural law. Although most attention in jurisprudential and legal sources has been focused on the substantive dimensions

of the concurrence of crimes, a precise examination of its effects on investigative procedures is of particular importance; because procedural criminal law is responsible for providing the mechanisms for the proper realization and implementation of criminal justice through the determination of judicial processes. Preliminary investigations are a sensitive and decisive stage in which both the rights of the accused and the rights of the victim must be meticulously observed. Therefore, attention to the consequences of the concurrence of crimes at this stage, especially in the legal systems of Afghanistan and Iran, is an undeniable necessity from a comparative and pathological perspective of existing regulations. In this regard, a review of Afghan and Iranian criminal law shows that these two systems, despite formal differences in legal structure, face similar challenges regarding the concurrence of crimes. One of these challenges is the lack of clear regulations on how to conduct the notification of charges, issue security orders, and final orders when the accused faces more than one charge. The legislator in both countries has mainly focused on the general rules related to the concurrence of crimes in the substantive part and has paid less attention to its effects at the trial stage, especially in preliminary investigations. This gap has led to various practices by investigative authorities in dealing with accused individuals with concurrence of crimes, sometimes resulting in injustice or violation of the accused's defense rights. In cases where an individual has committed several distinct criminal acts, meaning material concurrence of crimes has occurred, the investigative authority must independently examine each act. This independence must be observed in the notification of charges, in the issuance of criminal security orders, and in the final decision-making. In practice, this means that for each crime, a separate notification of charges must be issued, and it is even possible to issue different security orders, especially if the committed crimes fall under the inherent jurisdiction of different judicial authorities. For instance, if an individual commits one count of document forgery and one count of theft, depending on the jurisdiction of each crime, the investigating authority will be compelled to separate the proceedings. Furthermore, if these crimes require separate arrest warrants or bail bonds, the investigating judge must act separately for each. On the other hand, in cases of ideal plurality, where a single criminal act falls under multiple criminal titles, its specific nuances must be considered. In such a situation, the investigating authority is obliged to prosecute the crime under the most severe existing title. In other words, the indictment must be based on the most severe crime, and the security order must also pertain to that same crime. However, the investigating authority cannot disregard other potential criminal titles, as the final decision regarding the most severe punishment in court depends on the identification and thorough analysis of all titles. Therefore, even if the security order and indictment are based solely on one title,

the investigating judge or prosecutor is obligated to comment on all titles at the final decision stage, whether in the form of a non-prosecution order, a discontinuance of prosecution, or referral to court through an indictment. In the Iranian legal system, Article 260 of the Code of Criminal Procedure briefly addresses the issue of multiple charges, but it remains silent regarding material plurality or ideal plurality, especially concerning the method of separating investigative actions. In Afghanistan, the Code of Criminal Procedure has the same gap. This silence has led to the issuance of differing rulings by investigative authorities and courts. In some cases, it is observed that when faced with several independent crimes, only one indictment is issued, or the indictment pertains to only one crime, whereas this method, especially in cases of material plurality, contradicts the principles of fair and transparent judicial proceedings. Another important issue is the method of issuing security orders. In material plurality, the principle is that each crime requires its own appropriate order, as each is considered an independent case, unless the investigating authority decides to combine them. In ideal plurality, although a single material act is presented under different titles, the security order must still be issued based on the most severe crime. However, if in the course of judicial proceedings the graver crime is negated or dismissed, there should be a provision for reviewing and amending decisions. This point has received less attention in the studied systems. On the other hand, the final order, which reflects the results of preliminary investigations, must be sufficiently comprehensive. The investigating authority cannot merely comment on the basis of a single criminal charge and ignore other charges, even if it intends for the accused to be convicted of the graver punishment; because for the issuance of a final verdict, the court needs to examine the documents and evidence related to all behaviors or charges. Therefore, the final order must cover all criminal acts (in material plurality) or all probable charges (in notional plurality). Finally, a comparative study of the two legal systems shows that despite structural and linguistic differences, there is a common weakness in legislation regarding the issue of multiplicity of crimes at the preliminary investigation stage. The absence of clear guidelines and consistent procedures leaves interrogators and prosecutors in confusion and, in some cases, may lead to violations of the accused's rights or undermining the victim's rights. Therefore, it is suggested that clear regulations regarding investigative actions in cases of multiplicity of crimes be included in the criminal procedure codes of both countries, and coherent and binding procedures be formulated by supreme judicial authorities to guide investigating judges. The issue of multiplicity of crimes and its impact on earlier stages of proceedings is not merely a technical or formal aspect; rather, it is linked to the principles of criminal justice, respect for the right to defense, the right to a fair trial, and the prevention of undue prolongation of proceedings.

For this reason, the reform and development of related legal frameworks are an urgent and inevitable necessity to ensure the efficiency of the criminal justice system and to enhance public trust in justice.

Keywords:

multiplicity of crimes, indictment, criminal security order, final order, interrogator, preliminary investigations, Afghan law, Iranian law, material crime, notional crime.